

جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی^۱ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران

زهرا پیشگاهی فرد^۲

محمدباقر قالیباف^۳

مهدی پورطاهری^۴

صادقی^۵

۳۷

مجله قدرت

جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با
تأکید بر جمهوری اسلامی ایران
نویسنده: زهرا پیشگاهی فرد، محمدباقر قالیباف،
مهدی پورطاهری و علی صادقی

چکیده

قدرت، توانایی یک بازیگر در استفاده از منابع و امکانات جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود است. کشورها برای حفظ موجودیت امنیت و رفاه شهروندان خود و نیز مقابله با تهدیدات خارجی ناگزیرند سیاست‌ها و برنامه‌هایی را جهت افزایش توانمندی و قدرت ملی خود به کار گیرند.

شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده مؤلفه‌های جدیدی در ساختارهای رسمی بین‌الملل نقش ایفا کنند و کشورها برای تأمین منافع ملی خود ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار گیرند که مهم‌ترین آنها را می‌توان بهره‌گیری از قدرت نرم دانست.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت حساس استراتژیک و ژئوپلیتیک خود ناگزیر است

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: نقش دولت الکترونیک در افزایش قدرت ملی در ایران، می‌باشد.

Email: sadeghi173@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه تهران

۳. دانشیار دانشگاه تهران

۴. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۵. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

ضمن توجه و تقویت جنبه‌های مختلف قدرت سخت (توان نظامی و اقتصادی) به تقویت ابعاد قدرت نرم خود نیز پردازد.

ایران زمانی می‌تواند از قدرت نرم خود بهره‌بردار و به تقویت قدرت ملی خود دست یابد که استراتژی، راهبرد و نیز ارزش‌های مطلوب خود را به گونه‌ای ارائه دهد که از دو بُعد ملی و فراملی مؤلفه‌های تولید قدرت خود نهایت بهره‌برداری را به‌عمل آورد.

پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکردی توصیفی - تحلیلی به شناسایی عوامل و مؤلفه‌های قدرت نرم پرداخته و جایگاه این مؤلفه‌ها را در قدرت نرم ایران مورد بررسی قرار دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های قدرت نرم در مجموع اثرگذاری مثبتی بر قدرت ملی ایران دارند، اما کشور ما نتوانسته است از مؤلفه‌های فراملی مؤثر بر قدرت نرم، بهره‌برداری بهینه و مناسبی را به‌عمل آورد.

کلید واژه: قدرت ملی، قدرت سخت، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

دستیابی به قدرت، عامل و دلیل اصلی رقابت‌ها، کشمکش‌ها، نزاع‌ها و نیز شکل‌گیری دسته‌بندی‌ها و پیمان‌های دو یا چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی است که بر همین اساس نظم اجتماعی و روابط کشورها و انسان‌ها نیز شکل می‌گیرد. قدرت توانایی یک بازیگر را در استفاده از منابع و امکانات در جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود نشان می‌دهد. از همین رو برخی قدرت را کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل می‌دانند (انعامی علمداری: ۱۳۸۷، ۲۹).

منافع ملی را می‌توان به مثابه خطوط راهنما و نشان دهنده تمایلات و خواسته‌های دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل دانست. دولت‌ها تلاش می‌کنند از راه همکاری، رقابت و منازعه نسبت به تعقیب و تحصیل منافع خویش توفیق یابند، اما پر واضح است که منافع ملی به خودی خود و در خلاء حاصل نمی‌شود بلکه لازمه دستیابی به آن برخورداری دولت‌ها از قدرت ملی در یک حد قابل قبول است (حجازی، ۱۳۸۷: ۴). ملت‌ها خواسته‌ها، آرمان‌ها و منافع متعددی دارند که برآورده شدن آنها تابعی از سطح و چگونگی قدرت ملی به‌ویژه در مقایسه با سایر کشورهاست. چنان‌که اگر کشوری از قدرت ملی بالایی برخوردار باشد می‌تواند خواسته‌های خود را بدون مانع تأمین کند.

برخی قدرت‌ها نه تنها در سطح جهان و کره زمین چنین قدرتی دارند؛ بلکه بر ماورای مرزهای کره زمین نیز دسترسی دارند. برخی نیز آنچنان ضعیف‌اند که در تأمین نیازها و خواسته‌های ابتدایی خود هم ناتوانند. می‌توان گفت بین قدرت ملی یک کشور و میزان نقش‌آفرینی آن کشور در روابط بین‌الملل رابطه مستقیمی وجود دارد (زرقانی: ۱۳۸۸: ۱۱۱). به عبارتی در جامعه بین‌المللی هر یک از اعضا، به سهم خود نقش‌آفرین و در تعاملات جهانی اثرگذار هستند.

این پژوهش ضمن مشخص کردن مؤلفه‌های قدرت نرم، در پی پاسخگویی به این سؤال است که: ایران در راستای افزایش قدرت ملی خود؛ از کدام مؤلفه‌ها بیشتر و بهتر استفاده می‌کند و در استفاده از کدام شاخص‌ها باید تلاش بیشتری را مبذول کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر ضمن بررسی مبانی نظری قدرت و ابعاد آن؛ با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی ایران می‌پردازد و میزان اثرپذیری آن از مؤلفه‌های قدرت نرم را مورد تحلیل قرار دهد. در گردآوری مطالب از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

مبانی نظری

۱. قدرت (Power)

سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی آن در جهان که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم، تکنولوژی و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار دارد، باعث می‌شود روابط دولت‌ها و ملت‌ها در داخل و با یکدیگر دائماً در حال تحول و دگرگونی باشند. کشورها برای حفظ موجودیت، امنیت و رفاه خود و نیز مقابله با تهدیدات خارجی ناگزیرند سیاست‌ها و برنامه‌هایی را جهت افزایش توانمندی و قدرت ملی خود به کار گیرند. در همین رابطه والتر جونز قدرت را «توانایی یک بازیگر صحنه بین‌المللی در استفاده از منابع محسوس و نامحسوس و امکانات برای تحت تأثیر قرار دادن نتایج رویدادهای بین‌المللی در جهت خواسته‌های شخصی»

می‌داند (جونز، ۱۳۷۳: ۳). قدرت می‌تواند امنیت را تضمین کند، رفتار دیگران را تغییر دهد، تهدید را دفع کند و ... در سطح ملی نیز قدرت همین آثار را در شکل وسیع و عالی‌تر به دنبال دارد (گروه مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷: ۸).

قدرت نیرویی است که برای اعمال اراده و تأثیرگذاری بر فرد و عنصر مقابل انجام می‌پذیرد، به شکلی که در جهت اهداف و منافع عامل قدرتمند عمل کنند. این اعمال اراده چنانچه بر اساس قابلیت‌ها و ظرفیت‌های یک سازمان سیاسی (کشور) و با توجه به شاخص‌های موجود در آن به وجود آید، می‌تواند قدرت ملی نامیده شود.

۲. قدرت ملی (National Power)

زمانی که قدرت (توانایی اعمال اراده) در قالب افراد یک جامعه (ملت) مد نظر باشد، می‌توان توانایی‌های جامعه را قدرت ملی آن جامعه نامید. قدرت ملی: «توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی» است (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۴۶ و ۱۳۷۹: ۲۴۵)؛ یا به تعبیر دیگر قدرت ملی به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی اطلاق می‌شود که در قلمرو یک واحد جغرافیایی به نام کشور یا دولت وجود دارد (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۳۴).

جهان از یک نظام مقتدر و توانمند برای حفظ امنیت و صلح بین‌المللی برخوردار نیست؛ طبیعی است که کشورها برای حفظ موجودیت، امنیت و رفاه خود از سویی و مقابله با تهدیدات سایر بازیگران از سوی دیگر، ناگزیرند سیاست‌ها و راهبردهایی را جهت افزایش توانمندی و قدرت ملی خود به کار گیرند.

راهبردهایی که یک کشور را قادر می‌سازد منابع و امکانات ملی را به اشکال عینی قدرت و توانمندی تبدیل کنند، در دنیای معاصر اهمیت بیشتری یافته‌اند. سازوکارهایی چون ارتباط متقابل حکومت و شهروندان چنانچه به بهترین شکل تسهیل شود و بر پایه مبانی اخلاقی و حقوقی ناب و قانونی شکل گیرد، می‌تواند ظرفیت‌ها و شاخص‌های مختلف مؤثر بر قدرت ملی را تحت تأثیر قرار داده و آن را ارتقا بخشد و حتی بر محدودیت‌ها، استراتژی‌ها و ظرفیت‌های نظامی (قدرت سخت) اثرگذار باشند.

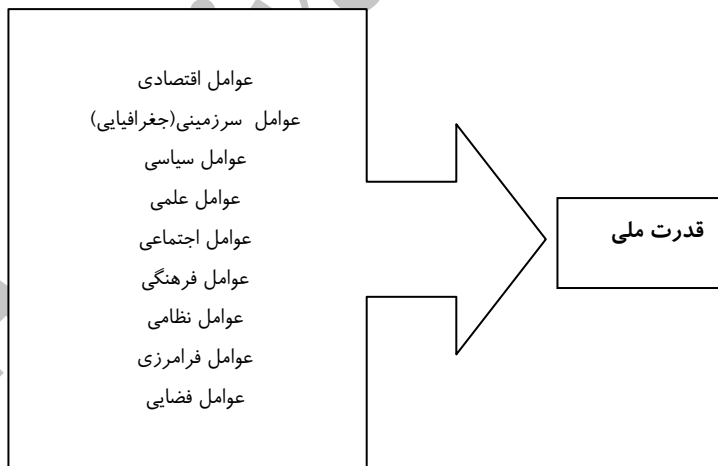
۱. ۲. کارکردهای قدرت ملی

ملت‌ها آرمان‌ها و منافع متعددی دارند که برآورده شدن آنها تابعی از سطح و چگونگی قدرت ملی به‌ویژه در مقایسه با سایر کشورهاست؛ چنان‌که اگر کشوری از قدرت ملی بالایی برخوردار باشد می‌تواند خواسته‌های خود را بدون مانع تأمین کند. می‌توان گفت بین قدرت ملی یک کشور و میزان نقش‌آفرینی آن کشور در روابط بین‌الملل رابطه مستقیمی وجود دارد (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). بی‌شک ابرقدرت نظامی روسیه و آمریکا با ریز قدرت بحرین نمی‌توانند نقش همسانی در روابط بین‌الملل داشته باشند (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۵۲).

۲. ۲. مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی

کارشناسان روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص عوامل تولیدکننده قدرت ملی ارائه کرده‌اند. متسکیو همبستگی ملی را عامل تولیدکننده قدرت ملی می‌داند. کوهن به نقش ده عامل اشاره کرده است. مورگنتا هشت مؤلفه را در تولید قدرت ملی مؤثر می‌داند. حافظ‌نیا در رویکردی کل‌نگر عوامل تولیدکننده قدرت ملی را به شرح زیر می‌داند:

جدول ۱. مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶)



۱. در نظرات سایر اندیشمندان این موارد با اندک تغییری ارائه شده است. برای مطالعه بیشتر به کتاب سنجش

قدرت ملی تألیف دکتر سیدهادی زرقانی مراجعه شود.

کارشناسان و استادان رشته‌های مختلف همچون علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در تفسیر منابع قدرت، برخی بر عوامل کمی و گروه دیگر بر عوامل غیرعینی و کیفی و برخی بر هر دوی آنها تأکید کرده‌اند. در اینجا سعی می‌شود تعدادی از الگوهای عمده مربوط به عوامل قدرت ملی که از سوی کارشناسان و متخصصین داخلی و خارجی از جمله گلاسنر، ارگانسکی، مورگنتا، ماهان، حافظ‌نیا، سیف‌زاده و ... ارائه شده، بیان شود. با مطالعه منابع مختلف؛ مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده قدرت ملی از نظر دانشمندان و صاحب نظران مختلف در جدول زیر فهرست شده‌اند:

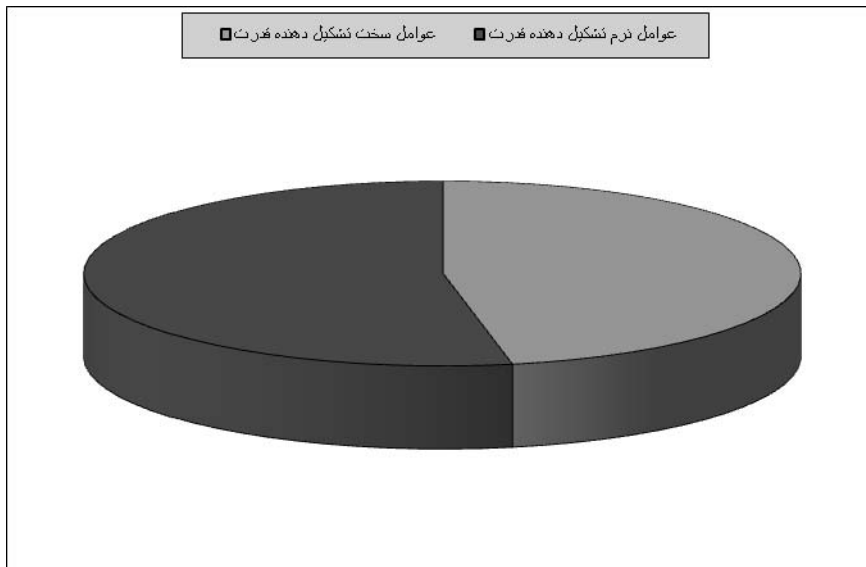
جدول ۲. عوامل تشکیل دهنده قدرت به تفکیک نرم و سخت از دید اندیشمندان مختلف

منبع	شاخص‌های بُعد نرم‌افزار (کیفی)	شاخص‌های قرار گرفته در بُعد سخت‌افزار (کمی)	عوامل مؤثر در قدرت ملی	نظریه پرداز
Jablonsky: 1997, 43	سیاست اقتصادی، روابط اقتصادی، روحیه ملی، شکل حکومت، طرز تلقی جمعیت، اداره کشور، اخلاق ملی، روحیه ملی، یکپارچگی ملی	موقعیت، وسعت، توپوگرافی، تعداد جمعیت، منابع طبیعی، ظرفیت اقتصادی، تکنولوژی، نیروی نظامی	۱۷ عامل در دو شاخص طبیعی و اجتماعی	دیوید جابلنسکی
عامری، ۱۳۷۶: ۳۳	صفات ملی، کیفیت دیپلماسی، کیفیت حکومت (رهبری نظامی و گرایش‌های جمعیتی)	موقعیت، منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، تکنولوژی نظامی، تعداد جمعیت	۸ عنصر	هانس مورگنتا
روشندل، ۱۳۷۴: ۶۸	کفایت سیاسی	اندازه جمعیت، توسعه اقتصادی	۳ عامل	ارگانسکی
سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۷۲	توسعه اقتصادی، تجانس نژادی، انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی، روحیه ملی	مساحت، ماهیت مرزها، جمعیت، منابع طبیعی، قدرت مالی	۱۰ شاخص	اسپایکمن
Glasner: 1994: 264	جمعیت (سطح آموزش، ترکیب ملت، علایق ملی)، اقتصاد (مهارت، مدیریت، حکومت، ارتباطات، روابط خارجی)	سرزمین و منابع، جمعیت (تعداد)، اقتصاد (ظرفیت تولید، سرمایه‌گذاری)، نیروی نظامی	۸ عامل	مارتین گلاسنر

عامری، ۱۳۷۶: ۳۲۸	سیاسی (مهاترت سازمان، وضع کشورهای همجوار)، روانی (انعطاف اقتصادی، بردباری، پشتکار)	سیاسی (وضع جغرافیایی، وسعت، جمعیت)، اقتصادی (ثروت‌های زیرزمینی، منابع مالی)	۳ عامل	گیدو فیشر
عامری، ۱۳۷۶: ۳۲۹	کیفیت فرماندهی، وحدت ملی، دوستی، قدرت‌های خارجی، کیفیت اخلاقی	جمعیت، وسعت سرزمین، ثروت، تأسیسات سیاسی	۸ عامل	اشتاین متر
ZHU, 2003: 3	قدرت سیاسی، آموزشی و فرهنگی، دیپلماسی و اشتراک مساعی		۴ عامل	هانگ سوفنگ
ویک لین، ۱۳۷۰: ۷۰	عوامل اجتماعی و سیاسی	عوامل جغرافیایی، نظامی، اقتصادی، مستعمرات	۶ عامل	جان ویک لین
فرانکل، ۱۳۷۱: ۱۵۰	حکومت، عناصر روانشناختی - اجتماعی، موضع استراتژیک بین‌المللی	جمعیت، جغرافیا، اقتصاد	۶ عامل	جوزف فرانکل
ZHU, 2003: 4	ظرفیت همکاری بین‌المللی، قابلیت بقا	قدرت اجبار	۳ عامل	مطالعات ملی ژاپن
Cohen, 1994: 43	تحولات داخلی (ساخت سیاسی، اجتماعی و ...)، عوامل خارجی (تجارت، روابط سیاسی، مهاجرت)	نیروهای داخلی مقیم خارج	۳ عامل	کوهن
Ibid, 25	نیروی سیاسی بانفوذ (داخلی و بین‌المللی)، خصوصیت ملی، علم و ...		۳ عامل	جان ام. کالینز
حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۲۹	موقعیت	وسعت	۲ عامل	راتزل
عامری، ۱۳۷۶: ۳۲۹	ایدئولوژی، روحیه ملی، رهبری	وضع جغرافیایی، منابع کانی، تکنولوژی، جمعیت	۷ عامل	پامر و پرکینز
روشندل، ۱۳۷۴: ۸۵	فرهنگی (ایدئولوژی، وحدت ملی)، ساختار حکومت (شکل سیاسی، کارآیی)	عوامل جغرافیایی (آب و هوا، موقعیت و ...)، انسانی (جمعیت، ترکیب و ...)	۴ عامل	روشندل
کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۳۹	استعداد علمی، سازمان‌داری، موقعیت استراتژیک، ایدئولوژی	وضع جغرافیایی، جمعیت، ارتباطات، سیستم اقتصادی	۱۲ عامل	علی اصغر کاظمی

	اطلاعات و آگهی، خرد رهبری	ظرفیت تولید و تأسیسات نظامی		
جمراسانی فراهانی، ۲۴: ۱۳۷۴	محل زیست، خلق و خو، تحصیلات، بنیاد علمی، تشکیلات نظامی و رهبری	نیروی انسانی، وضع جغرافیایی، قدرت اقتصادی، ظرفیت صنایع، اعتبارات مالی	۱۰ عامل	جمراسانی فراهانی
سیف زاده، ۱۳۶۸: ۱۴۲	کیفیت حکومت، روحیه ملی، کیفیت رهبری، ناسیونالیسم، خصوصیات ملی، ایدئولوژی، دموکراسی، رهبری	وضع جغرافیایی، منابع ملی، جمعیت	۱۱ عامل	سیف زاده
Ashley J. Tellis, ۲۰۰۰: ۳۲	ثبات و کفایت سیاسی	اندازه جمعیت و سرزمین، منابع، قدرت نظامی	۶ عامل	کنت والتز
Goldstein, 1999: 59	فرهنگ سیاسی، وطن دوستی، علم و تکنولوژی	جمعیت، جغرافیا، منابع طبیعی	۶ عامل	جوشا گلدشتاین
تهامی، ۱۳۷۴: ۳۴	فرهنگی و اجتماعی، سیاسی	اقتصادی (توسعه اقتصادی، استقلال اقتصادی و ...) و نظامی	۴ عامل	تهامی
قوام، ۱۳۸۳: ۸۷	ایدئولوژی، اجتماعی، سیاسی	جغرافیایی، نظامی و اقتصادی	۶ عامل	قوام
نبوی، ۱۳۷۹: ۱۲۶	منابع انسانی (جمعیت، دانش، فرهنگ و باور)، منابع ماورای الهی	منابع طبیعی	۳ عامل	عباس نبوی
حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۸۰: ۱۳۸۳	سیاسی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، فرامرزی	اقتصادی، جغرافیایی، نظامی، فضایی	۹ عامل	حافظ نیا
تلیس و دیگران، ۲۸۰: ۱۳۸۳	منابع ملی (خلافت و آموزش) ، عملکرد ملی	منابع ملی (منابع مالی، منابع طبیعی)، توانایی نظامی	۳ عامل	اشلی تلیس و همکاران
	۸۷/۵	۷۷/۵	۱۶۵ عامل	جمع: ۲۶ اندیشمند
	۵۳/۱ درصد	۴۶/۹ درصد	۱۰۰	درصد

نمودار ۱. وزن عوامل تشکیل دهنده قدرت با توجه به نظر اندیشمندان مختلف



باید توجه داشت؛ هر چند بررسی و ارزیابی برخی از عوامل تشکیل دهنده و به وجود آورنده قدرت همچون نفرت ارتش، تعداد سلاح‌های مختلف نظامی و هسته‌ای، میزان منابع طبیعی و ... ساده است (قدرت سخت)، اما برخی از عوامل به وجود آورنده قدرت مانند روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی، تجانس و یا عدم تجانس عمومی، کیفیت رهبری و حکومت، میزان انعطاف‌پذیری مردم در مقابل سختی‌ها و مشکلات و ... عواملی هستند که به سهولت قابل اندازه‌گیری نیستند. بنابراین دو چهره متفاوت از قدرت آشکار می‌شود که بررسی هر یک از این ابعاد به شکلی جداگانه و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در مورد آنها، در نهایت می‌تواند به تقویت قدرت ملی منتهی شود.

۳. ابعاد قدرت ملی

در مناسبات واحدهای سیاسی و نیز در عرصه نظام بین‌الملل می‌توان دو نوع قدرت سخت و نرم را شناسایی کرد. هر کدام از این دو نوع، مبانی نظری و منابع خاص خود را دارند و کشوری قدرتمند است که بتواند با درک وزن هر یک از آنها در مقاطع و مناطق مختلف، راهبرد ملی و فراملی خود را تنظیم کند.

در مطالعه و تحلیل قدرت کشور؛ غالباً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت) را به عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گیرند (Zhang: 2001, 117). عواملی چون عشق و علاقه به کشور و مردم یا میزان دلبستگی و حمایت از رهبران سیاسی و گفتار آنها مواردی است که به سهولت قابل مشاهده و ارزیابی نیست، اما گاهی حوزه عمل بسیار گسترده‌تری نسبت به سایر عوامل قابل مشاهده دارند. هر چند نیروی نظامی و عوامل عینی قدرت (قدرت سخت) همیشه مورد توجه سیاستمداران و اندیشمندان حوزه قدرت بوده است، اما به نظر می‌رسد امروزه نقش عواملی چون فناوری اطلاعات - مشروعیت سیاسی - همبستگی و انسجام مردم (قدرت نرم) اهمیت بیشتری یافته‌اند، در گذشته دولتمردان در صحنه داخلی و یا در محیط بین‌المللی با تکیه بر زور (قدرت سخت) سعی در مطیع ساختن مردم و پیشبرد نظرات خود داشته‌اند، اما جدای از هزینه‌های سرسام‌آور به‌کارگیری نیروی نظامی، امروزه بخاطر گسترش سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر و حقوق ملت‌ها (هرچند که بیشتر آنها سلیقه‌ای عمل می‌کنند)؛ دولتمردان حتی در داخل کشور خود نمی‌توانند به راحتی با تکیه بر زور و تهدید منافع مورد نظرشان را پیش ببرند.^۱

منابع قدرت مدام در حال تغییر است بدین معنی که در هر دوره و شرایطی از تاریخ بشر، یک یا چند منبع در توانایی و افزایش قدرت تأثیرگذار بوده است. در اروپای قرن هجدهم جمعیت منبع عمده‌ای برای قدرت محسوب می‌شد. مدتی بعد وسعت سرزمین و سپس اهمیت صنعت و شبکه‌های ریلی مطرح شد. در ابتدای نیمه دوم قرن بیستم علوم و فناوری پیشرفته در صنعت و سلاح هسته‌ای به عنوان منابع قدرت مطرح شد. قرن بیست و یکم با توجه به افزایش نقش اطلاعاتی و سازمانی قدرت، حجم اطلاعات در دسترس، افزایش بیشتری پیدا خواهد کرد و در این میان، توانایی سازمانی برای واکنش سریع و نرمش‌پذیر (قدرت نرم)، به منبعی عمده برای قدرت تبدیل خواهد شد.

۱. البته این بدین معنا نیست که کاربرد نیروی نظامی به‌کلی منتهی شده است، بلکه در شرایط نهایی و خاص مجبور به استفاده از نیروی نظامی هستند و یا در شرایطی که قدرتی مافوق خود و حساس به خود مشاهده نکنند بدون شک از این نیرو برای سرکوب و پیشبرد نظرات خود استفاده خواهند کرد.

جدول ۳. منابع عمده قدرت در ادوار مختلف

دوره	کشور پیشتاز	منابع عمده قدرت
قرن شانزدهم	اسپانیا	شمش طلا، تجارت استعماری، ارتش‌های متشکل از سربازان مزدور، پیوندهای میان سلسله‌های پادشاهی
قرن هفدهم	هلند	تجارت، بازارهای سرمایه، نیروی دریایی
قرن هجدهم	فرانسه	جمعیت، صنعت مناطق روستایی، دستگاه دولتی، ارتش
قرن نوزدهم	انگلیس	صنعت، همبستگی سیاسی، امور مالی و اعتبار، نیروی دریایی، هنجارهای لیبرالی، موقعیت جزیره‌ای (سهولت دفاع از سرزمین)
قرن بیستم	ایالات متحده	بزرگی اقتصاد ملی، پیشتازی در حوزه‌های علمی و تکنیکی، فرهنگ جهانی، نیروهای نظامی و ائتلاف‌ها، رژیم‌های لیبرالی بین‌المللی، مرکزیت برای ارتباطات فراملی
قرن بیست و یکم	؟	فناوری اطلاعات، اقتصادهای مبتنی بر اطلاعات - کیفیت استفاده از فناوری اطلاعات در بخش‌های مختلف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - قدرت نرم

۱. قدرت سخت (Hard Power)

قدرت سخت عبارت است از توان اجبار با توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیمات آشکار و مستقیم. مبانی نگرش رئالیستی، مهم‌ترین منبع فکری قدرت سخت است. در این نگاه، بی‌اعتمادی بین بازیگران (افراد، گروه‌ها و دولت‌ها) و به‌طور کلی شریر و آزمند خواندن انسان‌ها و دولت‌ها یک اصل حیاتی است. این بی‌اعتمادی؛ توسل به ابزارهای عینی، مستقیم و در دسترس را تجویز می‌کند؛ چون به مبانی ذهنی، غیرمستقیم و دور دست قدرت اعتمادی وجود ندارد. ایده‌نالیست‌ها بر خلاف رئالیست‌ها، انسان‌ها را شریر و دشمن یکدیگر نمی‌دانند و به جای امنیت بر صلح تاکید می‌کنند. اینان ضمن ابراز امیدواری به صلح و اصلاح روابط بین‌المللی، چنین ایده‌ای را از طریق جامعه ملل، سازمانهای بین‌المللی و مذاکرات پیگیری می‌کنند. از نظر آنها نهادهای فوق ملی قدرت دارند تا نظم را برقرار کنند (گروه مطالعات امنیتی: ۱۳۸۷، ۳۳-۳۱). مهم‌ترین اشکال و منابع به‌کارگیری قدرت سخت عبارت‌اند از:

- مداخله نظامی
- دیپلماسی اجبار آمیز که در آن براندازی حکومت به شکل مستقیم و غیرمستقیم مد نظر است.

۲. قدرت نرم (Soft Power)

قدرت نرم عبارت است از توانایی تغییر یا شکل دادن ترجیحات و اولویت‌های دیگران تا بر اساس آنچه ما می‌خواهیم فکر یا رفتار کنند. بنابراین قدرت نرم متعلق به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور و اجبار استفاده کنند، نتایج دلخواه را می‌گیرند چون سیاست‌ها و ارزش‌های آنها برای دیگران جذابیت دارد.

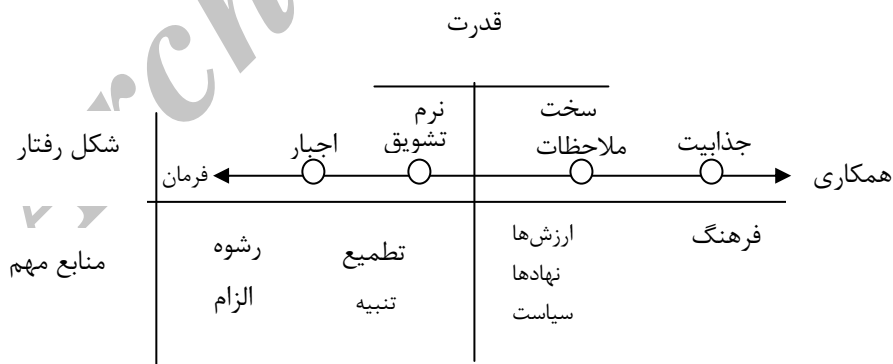
یک دولت می‌تواند با روش دستوری و تحکم‌آمیز در داخل کشور خود حکمرانی کند، قدرت تحکم‌آمیز ممکن است با تکیه بر ابزارهای تشویقی (هویج) یا ابزارهای تهدید آمیز (چماق) اعمال شود. یک دولت می‌تواند به نتایج دلخواهش در صحنه داخلی و حتی در سیاست جهانی دست یابد، بدین صورت که اقداماتی انجام پذیرد که دیگران آنچه را طلب کنند که ما می‌خواهیم و یا آنچه را ما (دولت) دوست داریم و انجام می‌دهیم، درست و مطابق میل خود بدانند. این چهره از قدرت در مقابل رفتار تحکم‌آمیز قدرت قرار دارد که می‌توان آن را قدرت جذب‌کنندگی "قدرت نرم" نامید (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

"میشل فوکو" اندیشمند فرانسوی معتقد است در قدرت نرم نوعی اجبار (به طور غیرمستقیم) از نوع قدرت سخت پدیدار می‌شود و کارکردی دارد که در بسیاری از موارد، قدرت سخت از انجامش عاجز می‌ماند. قدرت نرم «نه زور است و نه پول». در قدرت نرم، روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود. در این نوع قدرت، از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از الزام به همکاری در راستای رسیدن به خواست‌ها بهره‌گیری می‌شود (بولوردی، <http://noorportal.net>). اگر بازیگری موفق شود قدرت خود را در نگاه دیگران مشروع جلوه دهد و نهادهایی تأسیس کند که دیگران علائق خود را بر اساس ضوابط آن نهادها هماهنگ کنند، دیگر نیازی نیست تا بازیگر مسلط به شیوه سنتی عمل و برای تحقق خواست خود از نیروی نظامی یا تهدیدات خشن استفاده کند. اگر فرهنگ و ایدئولوژی بازیگر مسلط، جذابیت داشته باشد، دیگران با شوق و سرعت زایدالوصفی در راستای مورد نظر قدرت مسلط حرکت و حتی فکر خواهند کرد (گروه مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷: ۴۴).

قدرت نرم ریشه در مکاتب فکری مختلف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دارد. قدرت سخت بر اساس اندیشه‌های رئالیسم و نئورئالیسم توجیه می‌شود و قدرت نرم نیز به اعتقاد برخی، از رهیافت‌های لیبرالیستی نشئت می‌گیرد (این امر بدان معنا نیست که رویکردهای دیگر در توجیه قدرت نرم دخالتی ندارند). در نگرش لیبرالی، اصلی‌ترین بازیگر، تهدیدکننده و تهدید شونده دولت نیست بلکه محور اساسی سیاستگذاری، بازیگران غیردولتی هستند و جامعه مهم‌تر از دولت است. در نگرش لیبرالی، انسان‌ها موجودات شریک و پلیدی نیستند؛ بر این اساس انسان‌ها در جست‌وجوی صلح هستند، پس دولت‌ها یعنی نماینده شهروندان، خیرخواه بوده و در نتیجه محیط بین‌المللی که متشکل از نمایندگان ملت‌ها است، قانون‌پذیر و هنجارگراست^۱.

در نمودار قدرت، نوع رفتار دستوری و انتخابی در روندی زنجیره‌ای (از تهدید تا مشوق-های اقتصادی و پس از آن تنظیم دستور کار و در نهایت جذب) قرار می‌گیرند. منابع قدرت نرم به همکاری و همگرایی با طیف رفتاری مبتنی بر جذابیت ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و سیاست (داخلی و بین‌المللی) گرایش دارند؛ در حالی که منابع قدرت سخت به همگرایی با رفتار دستوری مبتنی بر اجبار و زور، تشویق یا تطمیع اقتصادی گرایش دارند (بیکی: ۱۳۸۹، ۷۶ و Nye: 2004, 28). این دو جنبه در نهایت تقویت قدرت ملی را به دنبال دارند.

نمودار ۲. مدل انواع قدرت (Nye: 2)^۲



۱. این مطالب برداشتی از کتاب تهدیدات قدرت ملی صفحات ۳۱ تا ۴۷ است.

2. <http://net.educause.edu/ir/library/pdf/FFP0502S.pdf> :2 & <http://net.educause.edu/ir/library/pdf/ffpiu043.pdf> 40

منابع قدرت نرم

قدرت نرم از منابعی سرچشمه می‌گیرد که وزن‌دهی و سهم کشورها در آن تقریباً غیرممکن است و یا اینکه این منابع اگر چه موجود نباشند، کشورها می‌توانند با شرایطی آنها را به وجود آورند. مهم‌ترین منابع قدرت نرم را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- مشروعیت سیاسی
 - ارزش‌های فرهنگی - ایدئولوژیک
 - اعتبار و حسن شهرت
 - وسایل ارتباطی و رسانه‌های گروهی
 - دیپلماسی عمومی یا تعامل دولتمردان و شهروندان
 - شناسایی افراد و موسسات کلیدی و برقرای ارتباط با آنها
 - روحیه و خصایص ملی
- کنترل منابع قدرت نرم دشوار است. بسیاری از منابع مهم آن از کنترل حکومت خارج است و تاثیر آن تا حدود بسیار زیادی به میزان پذیرش مخاطبان بستگی دارد (نای: ۱۳۸۴، ۵۶).

تهدید نرم

با توجه به اینکه امنیت همواره یکی از دغدغه‌های بشر بوده و انسان همیشه سعی داشته است برای کاهش تهدیدات پیرامون خود چاره‌اندیشی کند (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۹)، باید توجه داشته باشیم که در دوره فرامردن (حاضر) امنیت تحت تأثیر تغییرات گسترده در نظام بین‌الملل، توسعه ارتباطات، پیشرفت‌های تکنولوژیک و نزدیکی بی‌سابقه جوامع به یکدیگر قرار گرفته است. اگر تا چندی قبل استقلال و تمامیت ارضی کشورها با تهاجم نظامی، گروه‌های مسلح داخلی یا اقدامات اقتصادی مورد تهدید قرار می‌گرفت (تهدید سخت)؛ امروزه تهدید نرم یعنی دگرگونی و تغییر در هویت فرهنگی و ارزش‌های پذیرفته شده یک نظام سیاسی بسیار اهمیت یافته است. زیرا در کنار تغییر هویت ملی و فرهنگی، کشور مهاجم بدون منازعه و تهاجم؛ ارزش‌ها و هویت‌های مورد نظر خود را بر یک ملت تحمیل می‌کند.

در تهدید سخت، هدف تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین است (که با عکس‌العمل مقابل همراه خواهد شد) در حالی که در تهدید نرم، هدف تأثیرگذاردن بر انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و الگوهای رفتاری و در نهایت سلب هویت‌ها و ارزشهای فرهنگی است و به دلیل غیرعینی بودن عکس‌العمل (سریع و روشنی) ندارد (حجازی، ۱۳۸۷: ۶).

تهدیدات نرم را می‌توان تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم نوعی سلطه کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و جایگزینی سایر الگوها محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی شامل زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به شمار می‌آید.

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

قدرت نرم به دست آوردن آن چیزی است که می‌خواهید؛ از طریق اقناع و جذب. ایده جذب به‌عنوان شکلی از قدرت از مطالب افرادی چون نای یا لوکس (Lukes) منشأ نمی‌گیرد بلکه به فیلسوفان قدیمی چین همچون لاوژی (Laozi) به ۷ قرن قبل از میلاد بر می‌گردد (www.wikipedid.com). از این مطلب می‌توان زمینه‌های ظهور و بروز قدرت نرم در ایران را نیز بسیار طولانی دانست. قانون حمورابی و دستورات نوشته شده در آن که به عدالت و آزادی بین مردم تأکید می‌کرد یا اقدامات کوروش در هنگام برخورد با بابلیان و آزاد گذاشتن یهودیان بابل نمونه‌هایی از قدرت نرم ایران هستند. مشهودترین نمونه قدرت نرم به‌عنوان نیروی جذب که با عواطف و ارزش‌ها و باورهای مردم سروکار دارد را می‌توان پذیرش اسلام در ۵۷۰ م از سوی ایرانیان دانست.

ایران از هزاران سال پیش تاکنون به عنوان کشوری دارای تمدن شگفت‌انگیز در چهار راه تمدن‌های بزرگ بشری، از یک سو هم‌مرز با هندوستان، از سوی دیگر در

مراوده دائمی با فرهنگ و تمدن بزرگ چین، از سمت غرب هم مرز با یونان و امپراتوری روم شرقی، از سمت شمال با روس‌ها و از سمت جنوب با اعراب مراوده و مواجهه دائمی داشته است (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۳۳)، امروزه نیز با مساحتی در حدود ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع (شایان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱) در منطقه حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی خلیج فارس واقع شده است.

موقعیت حساس و مهم ایران در کنار بحران‌های مختلف منطقه چون: بی‌ثباتی و درگیری‌های افغانستان، مناقشات قومی پاکستان و اثرات آن بر اقوام ایران، جنگ با عراق و اثرات بی‌ثباتی‌های امروز آن کشور بر ایران، اثرات ابرقدرت امریکا بر کشورهای حاشیه خلیج فارس و تغییر رفتار آنها در برابر ایران، اعتراض یا مناقشات لفظی اعراب با ایران و اثرات روانی آنها همه از مسائلی است که بر کشور ما و رفتار حاصل از آن اثرگذار بوده است.

این مسائل کشور ما را همواره دستخوش تهاجمات نظامی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای مختلف قرار داده است. تاریخ پرفراز و نشیب ایران زمین حاکی از آن است که اقوام بیگانه زمانی بر این کشور فائق آمده‌اند که ایران مدت‌های مدیدی درگیر نزاع-ها و خصومت‌های قومی و قبیله‌ای و داخلی بوده است. بنابراین توجه به این نکته برای سیاستمداران و حاکمان ایران ضروری است که ضمن توجه و تقویت فرهنگ و تمدن خود، در برطرف کردن اختلافات مختلف سیاسی - حزبی، قومی - قبیله‌ای و مذهبی و ... اهتمام ورزند و به پررنگ کردن مشترکات فرهنگی و منافع ملی توجه جدی نمایند.

ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، به دنبال تأثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود می‌باشد. جغرافیای وسیع و متنوع ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام ایدئولوژیکی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت ژئوپلیتیکی با تاثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است. با این وجود، ثبات و تأمین امنیت داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی، ارتباطات گسترده با حوزه‌های نفوذ نرم

افزایی و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران، در شرایطی تحقق می‌یابد که ایران توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی باتکیه بر مزیت‌های نسبی کشور (میرشاهی، www.rastak.com) از جمله منابع تولید قدرت نرم، طراحی و تدوین کند. مهم‌ترین منابع و قابلیت‌های تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در موارد زیر عنوان کرد:

سرزمین و نام ایران. نام هر کشور از مهم‌ترین نکات در ایجاد هویت و چارچوب مناسب برای یکپارچگی و وحدت ملی محسوب می‌شود. قلمرو تحت حاکمیت یک دولت، سرزمین آن (کشور) است که با مرزهای سیاسی از سایر واحدهای سیاسی متمایز می‌شود. بدون وجود سرزمین، دولتی شکل نخواهد گرفت. وابستگی‌های مکانی - زیستی و شکل‌گیری پیوندهای وطنی، خانوادگی و سکونت‌گاهی انسان در ارتباط با سرزمین معنی پیدا می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۶). وابستگی‌های وطنی و بومی حتی پس از سال‌ها دوری از وطن کمتر رنگ می‌بازند. نمونه بارز نگاه تاریخی به سرزمین ایران و شکل‌گیری روحیه همبستگی را می‌توان در جعل نام خلیج فارس و عکس‌العمل ایرانیان در برابر آن مشاهده کرد.

موقعیت جغرافیایی و استراتژیک. منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت جغرافیایی، استراتژیکی و ژئوپلیتیکی، محل تلاقی محورهای بزرگ ارتباطی زمینی و هوایی سه قاره (آسیا - اروپا و آفریقا) به شمار می‌رود. وجود ذخایر عظیم انرژی منطقه و نیز نبود ابرقدرت منطقه‌ای و رقابت قدرت‌های بزرگ برای چپاول ثروت‌های منطقه، سبب شده است خاورمیانه در کانون توجهات ابرقدرت‌ها قرار گیرد. قرارگیری ایران در این موقعیت حساس جغرافیایی و ظرفیتها و پتانسیل‌های متعدد، لزوم برنامه‌ریزی و دقت نظر دولتمردان را جهت بهره‌برداری در جهت افزایش قدرت ملی دو چندان می‌سازد.

منابع معدنی. ذخایر غنی نفت و گاز در حوزه خلیج فارس و دریای خزر آنچنان است که ایران پس از عربستان سعودی بیشترین ذخایر اثبات شده نفت جهان را دارد. به عبارتی با دارا بودن ۱۳۳/۳ میلیارد بشکه نفت، ۱۰ درصد از کل ذخایر جهان را به‌خود

اختصاص داده است (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۳۵۵). پس از روسیه دومین دارنده ذخایر گاز جهان محسوب می‌شود. همچنین منابع متنوع و گسترده معدنی دیگری چون زغال‌سنگ - مس - آلومینیوم - گاوگرد - اورانیوم - طلا - منگنز - سرب - روی و ... را دارا است. هرچند دارا بودن این ذخایر به تنهایی موجب قدرتمندی نخواهد بود؛ چنانچه این ذخایر با برنامه‌ریزی و درک صحیح دولتمردان بهره برداری و به‌شکلی عادلانه در کشور هزینه شوند؛ می‌تواند رضایت عمومی شهروندان را به‌دنبال داشته باشد و قدرت ملی را در حد عالی تقویت کند.

تاریخ و جاذبه‌های فرهنگی. موقعیت و نقش فرهنگ یک کشور اغلب بیان‌کننده یکپارچگی اجتماعی و همدلی سیاسی آن محسوب می‌شود. این امر بعنوان مهم‌ترین منبع سیاسی تشکیل دهنده یکپارچگی ملی (اتحاد) و پایداری سیاسی است، بنابراین صعود و یا سقوط فرهنگی یک کشور ضربه‌ای اساسی به توسعه کشور و در نهایت بر افزایش یا کاهش قدرت ملی آن کشور دارد (Zhang, 1999: 28). از شکل‌گیری نخستین دولت با نام ماد در سال ۷۲۶ ق.م در سرزمین ایران (شعبانی، ۱۳۷۳: ۳۲) تا به امروز سلسله‌های پادشاهی و حکومت‌های متعددی در ایران حکمرانی داشته‌اند. هر چند قدرت و حوزه نفوذ آنها یکسان نبوده است و حتی در مواردی از قدرت بسیار ضعیفی برخوردار بوده‌اند، اما به پشتوانه تاریخ و فرهنگ غنی خود همواره مهاجمان را در خود ادغام نموده‌اند. آثار باستانی، مفاخر ملی، آداب و رسوم ایرانیان، هنرهای و دستاوردهای علمی مختلف، همگی ضمن تحکیم وحدت و همبستگی ملت ایران؛ اثرگذاری عمیقی بر سایر کشورها و قدرت‌ها داشته‌اند. امروزه نیز ایرانیان می‌کوشند تا با درآمیختن انگیزه‌های ملی - اسلامی کهن خود با ارزش‌های انسانی دوران مدرن هویت ملی نوینی را شکل دهند (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۲۱).

دین و ایدئولوژی. با ظهور ادیان، به ویژه اسلام و گسترش سریع آنها در جهان، نقش قدرت نرم برجسته‌تر شد. اسلام نه براساس قدرت سخت، بلکه با تکیه بر قدرت نرم گسترش یافت. اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران پیرو دین اسلام هستند و از این حیث جزئی از قلمرو جغرافیای وسیع‌تری به نام جهان اسلام محسوب می‌شوند. بیش از

۹۹ درصد جمعیت کشور ما را مسلمانان تشکیل می‌دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۴۷). همزیستی مسالمت‌آمیز و مشارکت ادیان و مذاهب مختلف در امور گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکی از نتایج قدرت نرم دین است.

قومیت، نژاد و همزیستی مسالمت‌آمیز آنها. ایرانیان اصالتاً از نژاد آریایی هستند که ۳۵۰۰ سال پیش وارد ایران شدند. امروزه اقوام فارس، آذری، کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها در کشور ایران ساکن هستند. نکته قابل توجه اینکه، اقوام مختلف ایرانی در طول تاریخ ثابت کرده‌اند هویت‌شان در پیوند با ایران شکل گرفته است و تکیه بر قومیت، جدای از فضای جغرافیایی ایران؛ در آنها دیده نمی‌شود. گواه این مسئله یکپارچگی و حضور همه اقوام، ادیان و مذاهب ایرانی در دفاع از کشور در جنگ هشت ساله است.

جذب مهاجرین به‌ویژه دانشجویان خارجی. تماس‌های فرهنگی بدون شک تأثیر زیادی در مبارزه با احساسات منفی درباره یک کشور خواهند داشت. مبادلات علمی و دانشگاهی (استاد و دانشجو) برپایی تئورها و کنسرت‌ها، نمایشگاه‌های مختلف، برگزاری مسابقات مختلف بین‌المللی و ورزشی، تبادل ورزشکار و ... از جمله موارد اثرگذار در قدرت نرم به‌شمار می‌روند. الگ کالوگین (Oleg Kalugin) یکی از مقامات بلندپایه ک.گ.ب (و تحصیل کرده آمریکا) گفته بود: «با نگاهی به گذشته و قبل از ۱۹۷۷ می‌توان دریافت مبادلات (دانشگاهی) برای اتحاد جماهیر شوروی همانند اسب تروا بود. این مبادلات نقش بزرگی در فرسایش سیستم شوروی ایفا کردند» (نای، ۱۳۸۹: ۱۰۴). کالین پاول (Colin Powell) وزیر امور خارجه ایالات متحده: «من فکر می‌کنم برای کشور ما هیچ دارایی با ارزشمندتر از دوستی رهبران آینده جهان که در اینجا تحصیل کرده‌اند نیست. دانشجویان بین‌المللی که معمولاً با درک بهتری از ارزش‌ها و نهادهای امریکایی به خانه باز می‌گردند، گنجینه‌ای از حسن نیت را برای کشورمان تشکیل می‌دهند. بسیاری از دانشجویان پیشین هم اکنون در موقعیت‌هایی قرار گرفته‌اند که می‌توانند در نتایج سیاست‌هایی که برای ما مهم است، تأثیر گذارند» (نای، ۱۳۸۹: ۱۰۲). به‌نظر می‌رسد ایران با وجود ۳ میلیون پناهنده افغانی و حدود ۵۰ هزار عراقی

(<http://mohajerinnewz.mihanblog.com/post/516>) و امکانات بالقوه فراوان علمی و دانشگاهی توانسته از این قابلیت مهم در پیشبرد اهداف و افزایش قدرت نرم خود بهره گیرد. **دیپلماسی فعال و مؤثر.** اگر دیپلماسی را مجموعه تدابیر و اعمالی بدانیم که عمدتاً از طرق مسالمت‌آمیز برای حصول حداکثر تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه روابط بین‌الملل برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به‌کار گرفته می‌شود (البرزی، ۱۳۶۸: ۵)؛ باید گفت در دوران جدید و پیشرفت علم و فناوری در شکل دیپلماسی نیز تغییراتی عمده شکل گرفته است. در دیپلماسی نوین به جای دستکاری واقعیت‌ها به "تولید واقعیت" می‌پردازند. بازیگران سعی می‌کنند با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، "تصویری مجازی" از رقیبان خود تولید کنند که امکان جایگزین شدن با واقعیت را داشته باشد. بدین ترتیب "واقعیت‌های مجازی" شکل می‌گیرند که از یک سو "مجازاند" - چون با آنچه در جهان خارج است، منطبق نیستند و از سوی دیگر بهره‌ای از واقعیت دارند - چرا که عمده افکار عمومی و تصمیم‌گیران آنها را پذیرفته‌اند و بر اساس آن تحلیل و حتی اقدام می‌کنند (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶). امروزه که استفاده از این ابزار برای شکل‌گیری تصویری منفی از یک کشور نزد سایرین بسیار رایج شده است؛ آنچنان‌که غرب از طریق تولید واقعیت‌های مجازی بر علیه ایران استفاده می‌کند، این امر لزوم توجه جدی ایران به فعال‌سازی دیپلماسی در فضای مجازی را می‌طلبد.

کمک‌های بلاعوض و بشردوستانه. قدرت نرم بر آن است از طریق اقناع، تشویق، هدایت و مدیریت تصاویر ذهنی مخاطبان با هزینه کمتر به تثبیت قدرت نرم دست یابد؛ بر همین اساس کارشناسان و سیاست‌گذاران مسائل بین‌المللی، کمک‌های بلاعوض بشردوستانه و کم‌بهره را یکی از ابزارهای سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی دولت‌های برخوردار معرفی می‌کنند. هدف از این کمک‌ها نیز اقناع و ترغیب به تغییر رفتار از طریق قدرت نرم می‌باشد (Francis: 2003, Wikipedia). جمهوری اسلامی ایران با ارسال کمک‌های مختلف کم‌بهره و بلاعوض به گروه‌های تحت ستم و نیز کشورهای مصیبت دیده از حوادث طبیعی در راستای این مهم گام برداشته است. نمونه اخیر آن کمک به مردم سیل زده پاکستان است.

تقریب مذاهب. تلاش در جهت تقریب مذاهب با استفاده از ابزارهای مختلف سیاسی، فرهنگی. حضور در مجامع بین‌المللی. حضور فعال در مجامع بین‌المللی و پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند قدرت چانه‌زنی و دیپلماتیک ایران را در مسائل مختلف افزایش دهد. عضویت یا شرکت در سازمان‌ها و نهادهای مختلف ضمن مشروعیت بخشی با فراهم کردن امکانات مختلف اقتصادی و فرهنگی و نیز تأمین منابع مالی می‌تواند در افزایش قدرت ملی اثرگذار باشد.

عوامل تضعیف کننده قدرت نرم ایران

هرگاه حاکمان و اداره‌کنندگان کشور به شهروندان و رفتار آنان در عرصه‌های مختلف مشارکت سیاسی، امنیت اجتماعی، دسترسی به فرصت‌های برابر سیاسی و اقتصادی و ... توجه نداشته‌اند؛ قدرت کشور در مسیر فرود و نزول قرار گرفته است. برخی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند قدرت نرم ایران را تحت تأثیر قرار داده یا تضعیف کند، موارد زیر است:

- فساد اداری
- مشکلات اقتصادی
- ضعف تولیدات برنامه‌های ارزشی و فرهنگی
- اختلافات مرزی با همسایگان
- عدم حمایت از تولیدات داخلی
- تهدید نرم دشمنان

نتیجه‌گیری

شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده مؤلفه‌های جدیدی در ساختارهای جهانی نقش ایفا کنند. پایان جنگ سرد و اولویت‌های امنیتی کشورها، اقتصاد محور شدن سیاست‌های جهانی، مطرح شدن بازیگران جدید و اهمیت یافتن افراد و نهادهای غیردولتی در جهان، موجب شده کشورها برای تأمین منافع ملی خود ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار گیرند که مهم‌ترین آنها را می‌توان بهره‌گیری از قدرت نرم دانست.

ایران در اوایل انقلاب اسلامی با بهره‌گیری مناسب از مؤلفه‌های قدرت نرم خود توانست جایگاه خود را در نظام جهانی تثبیت کند. تحولات جدید نظام جهانی لزوم توجه همه‌جانبه به قدرت نرم را بیش از پیش نمایان ساخت. بر این اساس پژوهش حاضر مؤلفه‌های قدرت نرم ایران را مورد بررسی قرار داد. جدول زیر نشان‌دهنده مؤلفه‌های قدرت نرم ایران و جایگاه آن در قدرت ملی کشور است.

جدول ۴. تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم بر قدرت ملی ایران

عملکرد بر قدرت ملی		مؤلفه‌های قدرت نرم
مثبت	منفی	
	✓	ارزش‌های فرهنگی و ایدئوتژیک
✓		وجهه بین‌المللی
✓		دیپلماسی عمومی
✓		رسانه
	✓	سرزمین و نام ایران
✓		شناسایی
	✓	موقعیت جغرافیایی و استراتژیک
	✓	منابع اقتصادی
	✓	تاریخ و جاذبه‌های تمدنی
	✓	قومیت و نژاد
✓		جذب مهاجرین
	✓	کمک‌های بشردوستانه
	✓	حضور در مجامع بین‌المللی
	✓	تقریب مذاهب

مؤلفه‌های قدرت نرم عملکرد مثبت آنها بر قدرت ملی ایران را نشان می‌دهند. اما باید توجه داشته باشیم که شاخص‌های قدرت نرم در بعد داخلی دارای اثرگذاری بالایی بر قدرت ملی بوده‌اند و شاخص‌هایی که در بعد فراملی دارای اثرگذاری هستند، عملکردی منفی بر قدرت نرم را نشان می‌دهند. بدین معنا که پس از انقلاب اسلامی و با توجه به تحولات جهانی، دولتمردان به شاخص‌های مولد قدرت نرم در بُعد ملی توجه بیشتری نشان داده‌اند و توجه چندانی به مؤلفه‌های خارجی مؤثر در قدرت نرم

نداشته‌اند. در نتیجه شاخص‌های اثرگذار خارجی قدرت نرم، به همان نسبت در کاهش قدرت ملی ایران مؤثر بوده‌اند.

در فضای جدید جهانی، کشور ما در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته است، به گونه‌ای که مناطق ژئوپلیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و متعدد گرداگرد آن را فرا گرفته و کارکرد این مناطق قدرت ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

ایران در تهیه و تنظیم استراتژی ملی و کلان خود تا آنجا که به محیط استراتژیک بیرونی مربوط می‌شود به ناچار باید سه واقعیت محوری را بپذیرد:

۱. تراکم تهدیدهای پیرامونی

۲. مرزهای کنترل ناپذیر

۳. فقدان چتر حمایتی بین‌المللی؛

در درازمدت بر امنیت، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور ایران تأثیرات گسترده‌ای به جای می‌گذارند (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

هر کشوری بر اساس منافع ملی عمل می‌کند و منافع ملی هم در قالب قدرت قابل تعریف است (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۸۳)، افزایش اقتدار ملی و بین‌المللی در گرو ستیز با قدرت‌های بین‌المللی نیست. زیرا اگر چنین شود، کشور همواره یا در حالت جنگی است و یا در حالت نه جنگ و نه صلح به سر می‌برد و این روند زیان‌های جبران ناپذیری را بر پیکر امکانات و بسترهای توسعه کشور وارد می‌کند و ظرفیت‌های دیپلماتیک و سیاست خارجی نیز هزینه مقابله با بحران‌هایی می‌شود که توسط قدرت‌های بزرگ برای کشور ایجاد می‌شوند. بنابراین به باور پژوهشگران این مقاله، اگر ایران بخواهد به یک قدرت برتر تبدیل شود، نیازمند جلب اعتماد دیگر بازیگران عرصه‌های نظام بین‌الملل است.

در عصر اطلاعات بازیگری می‌تواند سردمدار دنیای سیاست باشد که بتواند با بهره‌گیری از قدرت نرم و تصویرسازی و ارائه وجهه‌ای مطلوب و مناسب به انتقال درست پیام با تکیه بر ساختارهای غیرمادی از جمله اجتماعی، هنجاری و ارزشی و

نهادی و عوامل زمینه‌ای چون دین، فرهنگ، تاریخ و هویت اجتماعی مبادرت ورزد. این مهم نیز در رویکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید مدنظر مسئولین قرار گیرد (مجله حضور، تابستان ۸۵، شماره ۵۷). آگاهی و شناخت همه جانبه نسبت به قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های نسبی سرزمین ملی نیز درک بهتر فضاهای محیطی و جلوگیری از تصمیم‌گیری یکجانبه ذهنی را به دنبال خواهد داشت. تصویر مخاطبان از سیاستمداران (و در نهایت حکومت) ملهم و تأثیر گرفته از رفتار و سیاست‌های آن دولت است، بنابراین باید توجه داشته باشیم که ایجاد و گسترش انقلاب تکنولوژیکی و اطلاعاتی در دوره معاصر در افزایش سطح آگاهی عمومی بسیار اثرگذار بوده است. تهدید نرم که بخاطر وجود انقلاب اطلاعات امروزه به تهدیدی مؤثر و کارا تبدیل شده است، می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابعاد قدرت ملی را مورد تهاجم قرار داده و ضمن اینکه آرمان‌های واقعی یک ملت را تغییر می‌دهد، مقاومت و دفاع از آرمان‌ها و سیاست‌های اصلی هر نظام سیاسی را تضعیف و نابود سازد. دولتمردان و مسئولان ایران باید ضمن توجه به تقویت جنبه سخت قدرت (تقویت توان نظامی و اقتصادی) توجه ویژه‌ای به قدرت نرم و ابعاد آن داشته باشند. تلاش برای رفع فقر و بی‌عدالتی قضایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور؛ توجه به تنوع تفاوت‌های فکری موجود در جامعه و تلاش در جهت نزدیکی و پیوندهای مختلف قومی - زبانی و نژادی؛ حرکتی آرام و پیوسته در جهت آگاهی بخشی به افکار عمومی توسط رسانه‌ها و نه مدیریت افکار آنها؛ افزایش مشارکت سیاسی در حل بحران‌های مختلف (حضور فعال و مؤثر در مجامع جهانی) و پرهیز از مباحث رادیکال بدون در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه کشورمان (قدرت ملی) در فضای سیاسی بین‌المللی، می‌تواند ضمن توسعه همه‌جانبه، امکان تقویت قدرت ملی و حضور فعال و مؤثر کشورمان در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی داشته باشد.

تشکر و قدردانی

در پایان نگارندگان این مقاله سپاس خود را نسبت به حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه تهران در انجام این پژوهش، تقدیم می‌کنند.

منابع

- انعامی علمداری، سهراب: "تهدیدات نرم الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده در برابر ایران". گزارش جمهور. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری. فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی. شماره ۲۷-۲۶ فروردین، ۱۳۸۷
- البرزی محمدرضا. ارزیابی تحول دیپلماسی در قرن بیستم، نشر سفیر، ۱۳۶۸
- جوزی، والتر. منطقی روابط بین الملل. ترجمه داود حیدری. دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۱۳۷۳
- حافظنیا، محمدرضا. قدرت و منافع ملی (مبانی - مفاهیم و روش های سنجش). نشر انتخاب، ۱۳۸۶
- حافظنیا، محمدرضا. مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی. قم. انتشارات سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۹
- حجازی، سیدحسین. ظرفیت های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا. گزارش جمهور. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری. فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی. شماره ۲۷-۲۶ فروردین، ۱۳۸۷.
- داد درویش، رضا. کتاب آمریکا - ویژه دیپلماسی عمومی در آمریکا. ناشر موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران. ۱۳۸۴.
- زرقانی، سید هادی. "ارزیابی عوامل و متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی". رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵.
- زرقانی، سید هادی. مقدمه ای بر قدرت ملی. کارکردها محاسبه و سنجش. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۸۸.
- سیف زاده، حسین. اصول روابط بین الملل. نشر میزان. چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- شایان، سیاوش و همکاران. جغرافیای دوم متوسطه. شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، ۱۳۸۹.
- کاظمی، علی اصغر. نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل. نشر قومس، ۱۳۶۹.
- کریمی پور، یدالله. ایران و همسایگان. نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰.
- کمپ، جفری، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه متین، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- گروه مطالعات امنیتی. تهدیدات قدرت ملی شاخص ها و ابعاد. انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی. ۱۳۸۷.
- گلشن پژوه، محمدرضا. جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم (نگاهی به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران). ناشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. دفتر گسترش تولید علم. ۱۳۸۷.
- ماندل، رابرت. امنیت ملی در جهان متغیر. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
- مجتهدزاده، پیروز. جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- مورگنتا، هانس، سیاست میان ملت ها، ترجمه مشیرزاده، نشر دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

نای، جوزف. قدرت در عصر اطلاعات؛ از واقع‌گرایی تا جهانی شدن. ترجمه سعید میرترابی. ناشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.

نای، جوزف. قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل). ترجمه سیدمحمسن روحانی - مهدی ذوالفقاری. دانشگاه امام صادق (ع). چاپ سوم، ۱۳۸۹.

ییکی، مهدی؛ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان). ناشر دانشگاه امام صادق (ع) - دانشگاه امام حسین و پژوهشکده پیامبر اعظم. چاپ دوم، ۱۳۸۹.

مجله حضور؛ تابستان ۸۵. شماره ۵۷

نای، جوزف؛ "قدرت نرم". ترجمه محمد حسین مقدم. فصلنامه راهبرد دفاعی. شماره ۲۹. پاییز ۱۳۸۲

نای، جوزف؛ "قدرت نرم". ترجمه محمد عسکری. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال دوم. زمستان ۱۳۸۳ (۱۶۳-۱۴۷)

نای، جوزف؛ "کاربرد قدرت نرم". ترجمه سیدرضا میرطاهر. فصلنامه راهبرد دفاعی. شماره ۶. زمستان ۱۳۸۳

نای، جوزف؛ "مزایای قدرت نرم". همشهری دیپلماتیک. شماره ۵۶ - تیرماه ۱۳۸۴

<http://net.educause.edu/ir/library/pdf/FFP0502S.pdf>: 2-27

<http://net.educause.edu/ir/library/pdf/ffpiu043.pdf>: 40-28

[http://www.wikipedia.org/wiki/Hard power.Soft power35-29](http://www.wikipedia.org/wiki/Hard_power.Soft_power35-29)

<http://www.rastak.com/showtext.php?id=106-32> سحر میرشاهی: منبع‌زوند اقتصادی شماره شهریور

<http://mohajerinnewz.mihanblog.com/post/516-33>

Nye, joseph.s. Soft power: The means to success in World Politics. Public Affairs. 1st-34 Edition. 2004

Nye, joseph.s. The Benefits of Soft power. 2004-35

Nye, joseph.s. Soft Power and Higer Education. -36

Zhang, Yazhi.(2001) On the disintegration of the Soviet Union, From the perspective of - 37 Soft Power in culture, <http://dlb.ut.ac.ir/Id11>.